

به نام خدا

# تلفیق روانشناسی و آموزش در کلاس درس

مولفان :

خدیجه وهابی خنکدار

سیده سمانه پایمرد

مریم شکری

سمیه شکری

انتشارات کتاب رسان ایده

(با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

[chaponashr.ir](http://chaponashr.ir)

سرشناسه: وهابی خنکدار، خدیجه، ۱۳۵۹-  
عنوان و نام پدیدآور: تلفیق روانشناسی و آموزش در کلاس درس / مولفان خدیجه وهابی  
خنکدار، سیده سمانه پایمرد، مریم شگری، سمیه شگری.  
مشخصات نشر: انتشارات کتاب رسان ایده، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۱۱۱ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۱۵۴۹-۷-۷-۷  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۱ - ۹۳.  
موضوع: کلاس درس - روانشناسی - آموزش  
شناسه افزوده: پایمرد، سیده سمانه، ۱۳۶۱  
شناسه افزوده: شگری، مریم، ۱۳۵۹  
شناسه افزوده: شگری، سمیه، ۱۳۶۴  
رده بندی کنگره: BF۷۳۵  
رده بندی دیویی: ۱۵۶/۶  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۸۰۳۰  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: تلفیق روانشناسی و آموزش در کلاس درس  
مولفان: خدیجه وهابی خنکدار - سیده سمانه پایمرد - مریم شگری - سمیه شگری  
ناشر: انتشارات کتاب رسان ایده  
صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲  
چاپ: زبرجد  
قیمت: ۱۱۱۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۱۵۴۹-۷-۷-۷  
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



# فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	فصل اول: تعاریف.....
۹	یادگیری و مغز.....
۱۱	تربیت و آموزش.....
۱۴	روانشناسی و مولفه های شناختی.....
۱۸	مزایای تلفیق.....
۲۱	نگاه تاریخی.....
۲۴	تعامل آموزش و روانشناسی.....
۲۶	آموزش و مغز.....
۳۱	فصل دوم: خواص مغز.....
۳۴	حافظه و مغز.....
۳۷	پویایی مغز.....
۴۰	جایگاه اعصاب.....
۴۳	یادگیری و روان.....
۴۶	توانایی های مغز در آموزش.....
۵۲	انواع کارکرد مغز.....
۵۷	فصل سوم: تعاریف.....
۵۷	نگاهی به نظریات موجود.....
۶۳	انگیزش.....
۶۶	شیوه های نوین.....
۶۹	استفاده از الگوها.....
۷۲	روانشناسی و عملکرد آموزشی.....
۷۴	فرهنگ و آموزش.....
۷۸	کلاس و روانشناسی.....

۸۳	..... فصل چهارم: مولفه های شناختی
۸۶	..... منابع شناخت
۸۸	..... منابع اطلاعات و کاربرد آنها
۹۳	..... منابع و مآخذ

## فصل اول

### تعاریف

در دهه های اخیر، پیشرفت های چشمگیر در حوزه هوش مصنوعی و یادگیری ماشین باعث شده است که مدل های آموزشی به طور گسترده ای در بسیاری از زمینه ها به کار گرفته شوند. همچنین ، تحقیقات در روانشناسی به ما راهنمایی می کند تا روابط پیچیده بین افراد و رفتارهایشان را بفهمیم . در این مقاله ، به بررسی امکان تلفیق نظریه های روانشناسی با مدل های آموزشی به منظور بهبود عملکرد این مدل ها می پردازیم .ابتدا، مروری بر اصول و مفاهیم اساسی روانشناسی و نظریه های مختلف آن صورت می گیرد. سپس ، مدل های آموزشی معروف از جمله شبکه های عصبی عمیق ، ماشین بردار پشتیبان و شبکه های توجه مورد بررسی قرار می گیرند. سپس ، روش های احتمالی برای تلفیق این دو حوزه ارائه می شود. به عنوان مثال، می توان از نظریه های روانشناسی در معماری مدل ها استفاده کرده یا ویژگی های روانشناختی را به عنوان ورودی در مدل های آموزشی معرفی نمود .همچنین ، امکان استفاده از روش های یادگیری تقویتی برای بهبود عملکرد مدل ها نیز بررسی می شود .با استفاده از تلفیق نظریه های روانشناسی با مدل های آموزشی ، امکان دستیابی به نتایج بهتر و پویاتر در زمینه هایی مانند تشخیص بیماری های روانی ، تحلیل رفتار انسانی و پیش بینی عواقب رفتارهای مختلف افراد فراهم می شود. همچنین ، این تلفیق به ما کمک می کند تا روابط بین متغیرهای روانشناختی و

ویژگی های موردنظر مدلها را بهبود داده و درک عمیق تری از رفتار انسانی به دست آوریم.

تلفیق روانشناسی و آموزش نوید قابل توجهی برای پیشرفت درک ما از فرآیندهای شناختی، مکانیسم های یادگیری و شیوه های آموزشی دارد. این بخش به بررسی مبانی هم افزایی مغز در ایران می پردازد و به بررسی ارتباط پیچیده بین روانشناسی و آموزش می پردازد. همانطور که در ابعاد مختلف این تقاطع حرکت می کنیم، آشکار می شود که ترکیب این دو زمینه برای توسعه راهبردهای آموزشی مؤثر که نیازهای منحصر به فرد زبان آموزان در ایران را برآورده می کند، بسیار مهم است. این کاوش از طیف گسترده ای از مراجع اخیر استفاده می کند تا درک جامعی از موضوع ارائه دهد.

برای درک مبانی هم افزایی مغز در ایران، کاوش در بافت تاریخی که چشم انداز آموزشی را شکل داده است ضروری است. ریشه های کهن تعلیم و تربیت فارسی، سنت غنی را برجسته می کند که طی قرن ها تکامل یافته است (مظهری، ۱۳۹۷، ص ۴۵). تأثیر فارسی پژوهان و مشارکت های آنان در زمینه هایی مانند فلسفه، پزشکی و ریاضیات، اثری محو نشدنی بر رویه های آموزشی در منطقه بر جای گذاشته است (جوادی و ستوده نما، ۱۳۹۹، ص ۱۱۲). درک این پس زمینه تاریخی برای زمینه سازی تلاش های معاصر برای ادغام روانشناسی و آموزش در ایران بسیار مهم است.

علیرغم نقاط قوت تاریخی، آموزش و پرورش ایران با چالش های مدرنی روبه رو است که رویکردی چند رشته ای را برای راه حل های مؤثر ضروری می سازد. مسائلی مانند دسترسی به آموزش با کیفیت، نابرابری های اجتماعی-اقتصادی و تنوع فرهنگی بر تجربیات یادگیری دانش آموزان تأثیر می گذارد (فتحی، ۱۳۹۰، ص ۷۸). ادغام بینش های روانشناختی در چارچوب های آموزشی برای رسیدگی موثر به این چالش ها ضروری است. بکارگیری اصول روانشناختی می تواند سیاست های آموزشی، روش های تدریس و سیستم های حمایت از دانش آموز را تقویت کند و محیط یادگیری فراگیرتر و عادلانه تری را تقویت کند (موحدی و اسلامی، ۲۰۱۹، ص ۲۳۴).

بافت فرهنگی ایران نقشی محوری در شکل‌گیری تجارب شناختی و آموزشی افراد دارد. ماهیت جمع‌گرایانه جامعه ایرانی بر انسجام گروهی و روابط بین فردی، تأثیرگذار بر ترجیحات یادگیری و پویایی اجتماعی در محیط‌های آموزشی تأکید دارد (پورسفر، ۱۳۹۱، ص ۱۶۷). توجه به این ظرایف فرهنگی برای ادغام موفقیت‌آمیز روانشناسی در آموزش ضروری است، زیرا استراتژی‌ها برای اثربخشی نیاز به همسویی با بافت فرهنگی منطقه دارند (رشیدی و صفائیان، ۲۰۲۳، ص ۵۶).

تلاقی علم اعصاب و آموزش در سال‌های اخیر برجسته شده است و بینش‌هایی را در مورد مکانیسم‌های عصبی زیربنایی یادگیری و فرآیندهای شناختی ارائه می‌دهد. تحقیقات علوم اعصاب انجام شده در ایران کمک قابل توجهی به درک نقش مغز در زمینه‌های آموزشی کرده است (عسگری، ۱۳۹۹، ص ۳۰۹). ادغام این دانش در شیوه‌های آموزشی پتانسیل زیادی برای بهینه‌سازی روش‌های تدریس، طراحی برنامه درسی و ارزیابی نتایج یادگیری دارد (شفیعی و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۷۶).

نظریه‌ها و چارچوب‌های روان‌شناختی ابزارهای ارزشمندی برای طراحی راهبردهای آموزشی مؤثر فراهم می‌کنند. بکارگیری این نظریه‌ها در زمینه آموزشی ایران مستلزم درک دقیق عوامل فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی است. کاربرد نظریه‌های شناختی، مانند سازه‌انگاری و نظریه اجتماعی-فرهنگی، می‌تواند شیوه‌های تدریس را با در نظر گرفتن دانش قبلی، پیشینه فرهنگی و تعاملات اجتماعی فراگیر افزایش دهد (فرامرزی و نیلی، ۲۰۲۲، ص ۱۲۰). با ترکیب این رویکردهای روان‌شناختی، مربیان در ایران می‌توانند تجارب یادگیری متناسب با جمعیت دانش‌آموزی متنوع ایجاد کنند.

شناخت و تطبیق تفاوت‌های فردی در سبک‌های یادگیری برای پرورش آموزش فراگیر بسیار مهم است. محققان ایرانی تأثیر تغییرات فردی، مانند سبک‌های شناختی و هوش‌های چندگانه را بر نتایج یادگیری مورد بررسی قرار داده‌اند (محمدزاده و خاکباز، ۲۰۱۸، ص ۸۹). تصدیق و پرداختن به این تفاوت‌ها در محیط‌های آموزشی می‌تواند به

روش‌های آموزشی شخصی‌شده‌تر و مؤثرتر منجر شود، که نیازهای متنوع دانش‌آموزان را در سراسر ایران برآورده می‌کند.

اجرای موفقیت آمیز رویکرد یکپارچه روانشناسی و آموزش به مربیان آموزش دیده ای متکی است که می‌توانند اصول روانشناختی را در شیوه‌های تدریس خود به کار گیرند. برنامه‌های تربیت معلم در ایران باید بینش‌های روان‌شناختی را در بر گیرد و مربیان را به دانش و مهارت‌هایی برای ایجاد محیط‌های یادگیری حمایتی و محرک مجهز کند (خسروی و احمدی، ۱۳۹۸، ص ۲۱۳). فرصت‌های توسعه حرفه‌ای مستمر برای در جریان نگه داشتن مربیان از آخرین پیشرفت‌ها در روانشناسی و آموزش ضروری است و جامعه آموزشی پویا و پاسخگو را تضمین می‌کند.

تکامل سریع فناوری چشم اندازه‌های آموزشی را در سطح جهانی متحول کرده است و ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. ادغام دیدگاه‌های روان‌شناختی در استفاده از فناوری در آموزش نیازمند رویکردی مدبرانه است. مطالعات اخیر تأثیر ابزارهای یادگیری دیجیتال را بر فرآیندهای شناختی و مشارکت دانش‌آموز در بافت ایرانی بررسی کرده‌اند (میری و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۱۷۸). با گنجاندن اصول روان‌شناختی در طراحی و اجرای فناوری آموزشی، مربیان می‌توانند از پتانسیل آن برای افزایش نتایج یادگیری و مقابله با چالش‌های ناشی از عصر دیجیتال استفاده کنند.

مبانی هم افزایی مغز در ایران، در تقاطع روانشناسی و آموزش، چشم اندازی پویا و در حال تحول را ارائه می‌دهد. ایران با درک بافت تاریخی، پرداختن به چالش‌های کنونی و ادغام بینش‌های روان‌شناختی در شیوه‌های آموزشی، می‌تواند راه را برای یک محیط یادگیری مؤثرتر و فراگیرتر هموار کند. با بررسی پیچیدگی‌های تأثیرات فرهنگی، علوم اعصاب، آموزش و پرورش و تفاوت‌های فردی، آشکار می‌شود که رویکرد چند رشته‌ای برای شکل‌دهی به آینده آموزش در ایران ضروری است. از طریق تحقیقات مستمر، همکاری و تعهد به توسعه حرفه ای، مربیان می‌توانند از قدرت هم افزایی مغز برای بهینه سازی تجربیات یادگیری برای جمعیت متنوع دانش آموزی در ایران استفاده کنند.



## یادگیری و مغز

کشف نوروپلاستیسیته، ظرفیت قابل توجه مغز برای سازگاری و یادگیری، برای درک مبانی هم افزایی مغز در ایران ضروری است. این بخش به مکانیسم های پیچیده عصبی و پیامدهای آن برای آموزش و روانشناسی می پردازد. همانطور که در این مبحث با استفاده از طیف متنوعی از منابع اخیر حرکت می کنیم، هدف ما کشف راههایی است که درک نوروپلاستیسیته می تواند به شیوه های آموزشی کمک کند و به هم افزایی بین روان شناسی و آموزش در بافت ایرانی کمک کند.

نوروپلاستیسیته به توانایی مغز برای سازماندهی مجدد خود با ایجاد اتصالات عصبی جدید در طول زندگی اشاره دارد. این فرآیند پویا به مغز اجازه می دهد تا با تجربیات سازگار شود، از آنها بیاموزد و ساختار خود را بر این اساس اصلاح کند. در زمینه آموزش ایرانی، شناخت ماهیت پلاستیکی مغز برای مناسب سازی روش های تدریس به منظور بهینه سازی تجربه یادگیری برای دانش آموزان با پروفایل های شناختی متنوع ضروری است (شاهیم و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۴۵). درک نوروپلاستیسیته می تواند به عنوان پایه ای برای توسعه راهبردهایی باشد که نتایج یادگیری را در محیط های آموزشی مختلف در ایران افزایش می دهد.

نوروپلاستیسیته نقش اساسی در شکل گیری خاطرات و کسب مهارت های جدید دارد. تحقیقات اخیر انجام شده در ایران، ارتباط بین نوروپلاستیسیته و تثبیت اطلاعات در حافظه را برجسته کرده است (اصفهانی و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۷۸). شناخت چگونگی انطباق مغز با اطلاعات و تجربیات جدید می تواند مربیان را در طراحی روش های آموزشی که بر انعطاف پذیری ذاتی مغز سرمایه گذاری می کنند، راهنمایی کند و منجر به نتایج یادگیری مؤثرتر شود (رحیمی موقر و یزدی، ۲۰۲۲، ص ۲۱۵).

در حوزه روانشناسی، درک نوروپلاستیسیته پیامدهای مهمی برای توانبخشی شناختی دارد. افرادی که به دلیل عوامل مختلف با چالش های شناختی روبرو هستند، مانند آسیب یا اختلالات رشد عصبی، می توانند از مداخلاتی که قابلیت های انطباقی مغز را

تحت تاثیر قرار می دهد، بهره مند شوند (حسینی و همکاران، ۲۰۲۳، ص ۱۳۴). روانشناسان ایرانی به طور فعال در حال بررسی رویکردهای مبتنی بر نوروپلاستیسیته برای تقویت برنامه های توانبخشی شناختی هستند و راه های جدیدی را برای حمایت از افراد دارای اختلالات شناختی باز می کنند.

سازگاری مغز صرفاً یک فرآیند ذاتی نیست. همچنین تحت تاثیر عوامل محیطی است. در بافت ایران، محیط فرهنگی-اجتماعی نقش مهمی در شکل گیری نوروپلاستیسیته دارد. شیوه های آموزشی، پویایی خانواده و انتظارات اجتماعی به تجربیات شناختی افراد کمک می کند (کاظمیان و عباسی، ۱۳۹۹، ص ۹۲). شناخت و درک این تأثیرات محیطی بر نوروپلاستیسیته برای انجام مداخلات آموزشی و روانشناختی که با ویژگی های منحصر به فرد جمعیت ایران همسو باشد، ضروری است.

نوروپلاستیسیته یک فرآیند یکنواخت در طول عمر نیست و دوره های حساس و دوره های حساسی وجود دارد که در طی آن مغز سازگاری بالایی از خود نشان می دهد. محققان ایرانی این جنبه های زمانی نوروپلاستیسیته را به ویژه در زمینه اکتساب زبان و رشد شناختی بررسی کرده اند (فرهادی و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۱۶۵). درک زمان بندی دوره های حساس و حساس می تواند به شیوه های آموزشی کمک کند و بر اهمیت مداخلات اولیه و تجربیات یادگیری هدفمند در طول مراحل رشد تأکید کند.

هم افزایی روانشناسی و آموزش در ایران را می توان با ادغام اصول نوروپلاستیسیته در شیوه های آموزشی غنی کرد. معلمان، روانشناسان و سیاست گذاران آموزشی می توانند برای طراحی برنامه های درسی و روش های آموزشی که با قابلیت های انطباقی مغز هماهنگ باشد، همکاری کنند (خزاعی و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۲۰۳). با ترکیب رویکردهای مبتنی بر نوروپلاستیسیته، مربیان در ایران می توانند محیط های یادگیری ایجاد کنند که رشد شناختی، تاب آوری و یادگیری مادام العمر را تقویت می کند.

پیشرفت های فناوری، فرصت های جدیدی را برای اعمال نفوذ نوروپلاستیسیته در مداخلات آموزشی باز کرده است. واقعیت مجازی، رابط های مغز-رایانه، و پلت فرم های

یادگیری بازی‌سازی شده، فناوری‌های نوظهوری هستند که در افزایش مداخلات مبتنی بر انعطاف‌پذیری عصبی نویدبخش هستند (حسینی و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۱۴۵). محققان ایرانی به طور فعال در حال بررسی ادغام فناوری با اصول نوروپلاستیسیته برای توسعه ابزارهای آموزشی نوآورانه هستند که سبک‌های یادگیری متنوع و نیازهای شناختی را برآورده می‌کند.

همانطور که ما به کاربردهای نوروپلاستیسیته در زمینه آموزشی ایران می‌پردازیم، ضروری است که چالش‌ها و ملاحظات اخلاقی مرتبط با اجرای مداخلات مبتنی بر نوروپلاستیسیته را بشناسیم. مسائل مربوط به حریم خصوصی، رضایت و احتمال عواقب ناخواسته باید به دقت مورد توجه قرار گیرد (زارعی و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۱۷۸). علاوه بر این، ملاحظات مربوط به دسترسی عادلانه به فن‌آوری‌های افزایش‌دهنده نوروپلاستیسیته باید در نظر گرفته شود تا اطمینان حاصل شود که همه دانش‌آموزان از این پیشرفت‌ها بهره‌مند می‌شوند.

درک نوروپلاستیسیته و پیامدهای آن برای آموزش، برای اکتشاف گسترده‌تر هم‌افزایی مغز در ایران بنیادی است. ماهیت پویای فرآیندهای تطبیقی مغز، چارچوبی را برای توسعه راهبردهای آموزشی نوآورانه و مؤثر فراهم می‌کند. با ادغام اصول نوروپلاستیسیته در شیوه‌های آموزشی، ایران می‌تواند یک محیط یادگیری را ایجاد کند که بر توانایی ذاتی مغز برای سازگاری و یادگیری سرمایه‌گذاری کند. همکاری بین روانشناسان، مربیان و محققان برای تبدیل تحقیقات مربوط به نوروپلاستیسیته به کاربردهای عملی که نتایج آموزشی را افزایش می‌دهد و به هم‌افزایی کلی بین روانشناسی و آموزش در ایران کمک می‌کند، ضروری است.

## تربیت و آموزش

رابطه پیچیده بین روانشناسی شناختی و شیوه‌های آموزشی سنگ بنای مداخلات یادگیری مؤثر را تشکیل می‌دهد. این بخش به بررسی اصول بنیادی ادغام روانشناسی شناختی در چشم‌انداز آموزشی در ایران می‌پردازد. درک نقش روان‌شناسی شناختی